



«دیوار برلن» های جدید را

در هم فرو ریزیم!

جان پیلجر

برگردان و توضیحات: محمد علی اصفهانی

سوم اسفند ۱۳۸۶

کار جان پیلجر، همچون یک برج دیدبانی نورانی است در زمانه‌ی
غالباً تاریک. واقعیت‌ها را او در روشنایی قرار داده است. یعنی
افشاگری کرده است. بارها و بارها. شهامت و بصیرت او، یک
الهام پایدار و بی‌وقفه است.

نوآم چامسکی

جان پیلجر، با دقتی آسیب‌ناپذیر همچون پولاد، واقعیت‌ها را، و
حقیقت‌های به‌چرک‌آلوده‌اش را، از دل زمین بیرون می‌آورد، و در
برابر آفتاب می‌گذارد؛ و همانگونه که هستند بیانشان می‌کند.
من به او سلام می‌کنم!

هارولد پینتر

و چه می‌توان بیش از این بر معرفی روزنامه‌نگار، مستندساز، و
نویسنده‌ی انسان‌گرا، مردمی، محبوب، و پرآوازه‌ی استرالیایی -
انگلیسی، جان پیلجر، افزود؟

آنچه می‌خوانید خلاصه و جمع و جور شده‌ی فارسی‌تازترین

مقاله‌ی اوست به تاریخ سیزدهم فوریه‌ی ۲۰۰۸

خیزش اخیر مردم غزه [در ماجرای درهم کوبیدن دیوار حائل میان مصر و نوار غزه، که به منظور هر چه بیشتر خفه کردن و قتل عام ونسل کشی فلسطینیان، با نظر دولت اسراییل، به وسیله ی دولت مصر بنا شده است - م] عملیاتی قهرمانانه بود که از زمان خیزش یهودیان ورشو (۱) و نیز فروپاشی دیوار برلن، تا کنون مشابه آن دیده نشده است.

طرح آریل شارون، برای کرانه ی رود اردن [محل استقرار کنونی دولت محمود عباس - م] به منظور محصور و زندانی کردن مردم آن منطقه، و سرقت زمین آن ها و منابع حیاتی آن ها، عملاً موفق شده است. و حالا فقط یک حکومت «ویشی» (۲) از نوع فلسطینی آن، به منظور اتمام مأموریت، و پایان کار، کم داریم! اما در غزه، مردم توانستند که با دوستاقبانات اسراییلی خود در مدت زمانی بسیار کوتاه، به خوبی مقابله کنند. و این، به مردم غزه اجازه ی حرکتی از نو خواهد داد. پیروزی مردم غزه، نمادی است که در سراسر جهان، عمیقاً به معنای زندگی و امید، به نزد همه ی جهانیان، جانی تازه می بخشد. (...)

تجربه های اسراییل و آمریکا برای رنج و عذاب دادن وسیع مردم فلسطین، تقریباً به نتیجه رسیده است.
در آغاز:

عملیات First Rains (باران های نخستین).

این نام، کد عملیاتی بود که اسراییل، هرشب، پی در پی، با شکستن دیوار صوتی در غزه انجام می داد تا کودکان فلسطینی را مبتلا به جنون کند.

و بعد:

عملیات Summer Rains (باران های تابستانی).

این عملیات، عبارت بود از رگبار های پیاپی بمب ها و موشک

های اسراییل بر سر مردمان عادی. (۳)

و آنگاه:

اشغال تمامی سرزمین!

اهود باراک، وزیر دفاع فعلی اسراییل، همه ی انواع و شیوه های محاصره و زندانی کردن عمومی فلسطینیان را امتحان کرده است:

- قطع برق که برای پمپاژ آب های نوشیدنی و آب های مورد مصارف دیگر مورد نیاز است. و نیز برای نگاه داری کودکان زودرس، و همچنین ابزار های درمانی یی مثل جهاز پزشکی دیالیز. - قطع نفت و سوخت.

- قطع مواد غذایی. آن هم برای مردمی که بیشتر کودکانشان به بیماری سوء تغذیه مبتلا هستند. و این همه، همراه با وزوز کردن های ریاکارانه و بی وقفه ی رادیو ها و سیاستمداران غربی. وزوزی در پی وزوزی دیگر. و ابتدالی در پی ابتدالی دیگر.

تربیون «جامعه ی جهانی»، هدفش نه کمک به قربانی، بلکه اشغالگری یی صریح و غیر قانونی را به عنوان «موضوعی قابل بحث» معرفی کردن است، از سوپی؛ و یک حکومت فلسطینی انتخاب شده در انتخاباتی دموکراتیک را، از سوی دیگر، تحت عنوان «میلیتان های حماس» مورد طعن و لعن قرار دادن؛ و این ادعا که «آن ها حق وجود اسراییل را نفی می کنند». این ادعا در حالی مطرح و تکرار می شود که برعکس: این، اسراییل است که آشکارا و بدون ابهام، حق وجود داشتن و

زندگی کردن فلسطینیان را نفی می کند.

«یوری اونری» [روزنامه نگار اسرائیلی، که به همت تنی چند از مترجمان دردمند ما، برای جامعه ی ایرانی چهره یی است آشنا - م] یکی از بنیانگذاران جنبش اسرائیلی برای صلح Gush Shalom در همین ۲۶ ژانویه ی گذشته چنین نوشت:

«آنچه آن را از افکار عمومی، پنهان می سازند، این است که پرتاب موشک های «قسام» (۴) همین فردا می تواند متوقف شود. ماه هاست که حماس، به اسرائیل، پیشنهاد آتش بس کرده است. و همین پیشنهاد از دیرباز مطرح کرده ی خود را حماس، باز هم در همین هفته، تکرار کرد. چرا دولت ما به این پیشنهاد حماس بی اعتناست؟ پاسخ، ساده است: باید با حماس حرف زد... اما بایکوت کردن حماس، برای دولت ما اهمیت بیشتری دارد از نقطه ی پایان نهادن بر رنج مردم «سدروت». (۵) در این زمینه، همه ی وسایل ارتباط جمعی، با این ریاکاری دولت اسرائیل همدستی می کنند».

مدتی طولانی است که حماس، به اسرائیل، یک آتش بس ده ساله پیشنهاد کرده است؛ و از همان زمان گفته است که «واقعیت یک دولت یهودی» را می پذیرد. ولی این موضوع، تقریباً هرگز، در غرب گزارش نشده است.

به صورت انتخاب شده و کنترل شده، اخبار را منتشر کردن، حواس ما را یا پرت می کند، و یا ناتوان می سازد. هر کدام از یک گروه مشابه هم که خواهان فتح کاخ سفید در انتخابات امسال آمریکا هستند، با اپورتونیسیم خود، بر سر حمایت از سیستم مستبدانه ی جنگ گرای بوش، با آن دیگری رقابت

برخاسته است.

جان مک کین، که به احتمال نزدیک به یقین، کاندیدای نهایی حزب جمهوریخواه آمریکا در این انتخابات است، خواهان «یک جنگ صد ساله» است.

در آنچه مربوط به حزب دموکرات می شود، این موضوع که یکی از کاندیدا های آن ها زن است، و یکی دیگر سیاه پوست، مطلقاً موضوع بی اهمیتی است: کاندالیزا رایس، در آن واحد، هم یک زن است؛ و هم یک سیاه پوست!

به جهان تیره یی که در پشت سر هیلاری کلینتون صف بسته است نگاه کنید:

موجوداتی را می یابید همچون Monsanto یعنی همان کمپانی تولید کننده ی Agent Orange سلاح شیمیایی یی که هنوز که هنوز است بعد از گذشت سال ها در حال نابود کردن و ویران کردن ویتنام است. (۶)

و در مورد باراک اوباما:

یکی از سرکردگان مشاوران پنهانی او، برژینسکی است: همان معمار عملیات «توفان» در افغانستان، که محصول آن، رشد «جهادیسلم»، القاعده، و یازدهم سپتامبر از کار درآمد. (۷)

این سیرک شریر، در مورد فلسطین، و در مورد آنچه در غزه می گذرد، ساکت و صامت است. مثل تقریباً همه ی موارد مهم دیگر. از جمله مورد زیر که شاید مهم ترین مسأله ی قرن باشد: «در دست داشتن ابتکار استفاده ی اولیه از سلاح اتمی، به عنوان ابزار نهایی، در تصعید تنش ها، برای جلوگیری از استفاده

از گسترش سلاح های تخریب جمعی».

برای باور کردن این سخنان، باید آن ها را بیش از یک بار خواند. این ها جزیی هستند از یادداشتی که به وسیله ی عالیرتبه ترین فرماندهان نظامی غربی از دست در کاران ناتو نوشته شده است و به ناتو ارائه شده است. (۸)

این ها دارند می گویند که غربی ها باید از سلاح اتمی علیه کشور های دارای سلاح های تخریب جمعی استفاده کنند. به جز خود کشور های غربی البته. [و همچنین اسرائیل که چون قرارداد منع گسترش سلاح های اتمی را امضا نکرده است، و به هیچ کس هم اجازه ی بازرسی نمی دهد، معلوم است که اصلاً سلاح اتمی ندارد؛ و تازه اگر هم داشته باشد بسیار مسئولانه از آن استفاده خواهد کرد. همانطور که در موارد متعددی استفاده از انواع سلاح ها و شیوه های جنگی، برای سرکوب مزدوران تروریستی چون کودکان شیرخواره یا چند ساله در لبنان و فلسطین نشان داده است. اگر تردیدی دارید می توانید علاوه بر قدیم الاستخدام ها، به جدیدالاستخدام های تواب و مسخ شده ی اسرائیل در اپوزیسیون ایران مراجعه کنید و توجیه شوید که اسرائیل در این میان بی گناه است، و همه چیز زیر سر «مزدوران بنیادگرا»ست -

[م

این ها توضیح می دهند که استفاده کردنشان از بمب اتمی ضروری است. زیرا «ارزش ها و شیوه ی زندگی غربی» مورد تهدید قرار گرفته اند.

- و این تهدید از کجا می آید؟

- از «آنجا».

ژنرال ها اینطور می گویند.

- و «آنجا» کجاست؟

- «جهان وحشی».

ژنرال ها اینطور پاسخ می دهند...

در ۲۱ ژانویه، در آستانه ی انتشار این حرف ها، نخست وزیر جدید انگلستان، اظهار نظر کرده بود که: «جامعه ی بین المللی (به طور اساسی، غرب) در برابر چالش های جدی قرار دارد». یکی از این چالش ها ایران است که مطابق گزارش «ان آی ئی» نه سلاح اتمی دارد، و نه برنامه پی برای ساختن سلاح اتمی. (۹)

در واقع امر، نخست وزیر انگلستان در حال تهدید کردن ایران به نفع بوش است که می خواهد پیش از پایان دوران ریاست جمهوری خود به ایران حمله کند. برای رژیم های آمریکا و انگلستان، به راه انداختن کارزار علیه حماس، ایران، و سوریه، امری حیاتی است: به منظور ساختن و سرهم کردن «خطر جدید اتمی».

مطابق تحقیقی که مورد استناد نوآم چامسکی قرار گرفته است، محصول اشغال عراق، هفت برابر شدن میزان سالانه ی حملات مصیبتبار «جهادی» است.

«جهان وحشی» از نظر ناتو

بالاترین و قدیمی ترین دیوار، دیواری است که «ما» را از «آن ها» جدا می کند.

امروز، این «ما» و «آن» ها، با خندق عمیق میان مذاهب، و یا با «جنگ تمدن ها» بیان می شود و تشریح می شود. و این تصورات موهوم و باطل را، امروز، بخشی از محافل دانشگاهی و ژورنالیستی غربی، تکثیر و بازتکثیر می کنند. به

منظور رسیدن به نتیجه‌ی بی‌گناهی که ادوارد سعید [استاد و نویسنده‌ی برجسته و فقید حامی ملت فلسطین در محافل علمی جهان - م] با به کار بردن اصطلاح «دیگری‌ها»، آن را چنین تعریف می‌کند: - یک آماج و یک نشانگاه قابل شناسایی، به منظور ایجاد ترس و کینه، که می‌تواند تاخت و تاز و تجاوز و هجوم و استیلا را، و غارت اقتصادی را، توجیه کند.

برپا شدن چنین دیواری، به بیش از پانصد سال پیش بر می‌گردد. به آن زمان که پاپ، جهان را قلمرویی از آن خود می‌دانست که او اجازه دارد در آن به دلخواه خود هرچه می‌خواهد انجام دهد. به آن زمان که به «کریستف کلمب» اولویت و حق ویژه‌ی اکتشاف و تسلط و غلبه بخشیده شد...

و از آن زمان تا به حال، چیزی عوض نشده است: بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان داد و ستد جهانی... و حالا ناتو. این‌ها از همان حق اولویت برخوردارند. اما به نفع دم‌ودستگاه پاپ بازی جدیدی به نام واشنگتن. هدف، همان است که بیل کلینتون توضیح می‌دهد: «ادغام کردن کشورها در جامعه‌ی بازار آزاد جهانی». و قواعد این بازار آزاد جهانی را نیویورک تایمز، تشریح می‌کند: - این قواعد، از آمریکا انتظار دارند که بیشتر از پیش، خود را در اعماق و در ساختار حیاتی امور داخلی کشورهای دیگر وارد کند.

این سیستم اربابی، تبلیغاتی پیچیده را طلب می‌کند. تبلیغاتی که اهداف خود را خوب و خیرخواهانه معرفی کند؛ و حتی مثلاً چیزی مثل «ترویج دموکراسی در عراق». آنچنان که کادرهای «بی‌بی‌سی» در پاسخ پرسشگران بدبین می‌گفتند.

«ما» - غرب - مطابق چنین منطقی، حق بهره برداری بی قید و شرط، و مطلق، از اقتصاد و منابع جهان فقیر را داریم. با در اختیار داشتن امکان تعیین چند و چون تعرفه های گمرکی، و سوپسید های دولتی. مطابق آنچه در مراکز علمی ما آموزش داده می شود.

این است نئولیبرالیسم: سوسیالیسم برای پولدارها؛ و کاپیتالیسم برای فقرا!

به گفته ی Chalmers Johnson «بازار آزاد، خصوصی سازی، و همه ی این سیاست ها، ضد تاریخی، و اقتصاد سوداگرانه یی مهمل و بی معنا هستند. موعظه گران نئولیبرالیسم، بدینسان به یک اندیشه ی شکست خورده ی قرن نوزدهمی رشد و توسعه، و تفکر نئونازی ها جان می بخشند...»

آنچه به ندرت مورد بحث قرار گرفته است، این است که لیبرالیسم به عنوان ایده نولوژی بی در و پیکر و خشن، در حال نابود کردن لیبرالیسم به عنوان یک واقعیت است.

کینه نسبت به مسلمانان، توسط کسانی که از احترامگزاری به آنچه آن ها را «چپ» می نامند سخن می رانند، به صورتی گسترده، ترویج و تبلیغ می شود.

همزمان، مخالفان دم و دستگاه پاپ بازی جدید آمریکا، به طور سیستماتیک، مورد اتهام و تخریب شخصیت قرار می گیرند. مثل مورد اخیر اتهام narcoterrorism به هوگوچاوز.

وقتی که مسأله یی از این نوع، وارد حوزه ی بحث عمومی می شود، اتهام زدن ها و لکه دار کردن ها مانع یک نقد اصولی و معقول و معتبر ونزوتلای چاوز می شوند؛ و راه را برای تجاوز، هموار می کنند.

این، نقشی است که ژورنالیسم، در جنگ علیه عراق، و در جور و

ظلم و جفای عظیم نسبت به فلسطین، بازی کرده است.

این نیز یک دیوار است. دیواری که آلدوس هاکسلی در کتاب

«دنیای قشنگ جدید» (۱۰) می توانست بر روی آن، چنین

بنویسد:

- مخالفت کردن، ارتداد است. جبرگرایی، ایده آل است. سکوت،

مرجّح است.

اگر مردم غزه، می توانند از این هر سه قانون، سرپیچی کنند،

چرا ما نتوانیم چنین کنیم؟

www.ghoghnoos.org

توضیحات مترجم:

* عنوان اصلی و لینک مقاله به زبان انگلیسی:

Bringing down the new Berlin Walls

<http://pilger.carlton.com/page.asp?partid=475>

۱ - در جنگ جهانی دوم، نازی ها بعد از اشغال لهستان، مثل

همه ی موارد مشابه، انواع ستم ها را بر یهودیان این کشور روا

داشتند. از جمله، جمع آوری آن ها در محله های مخصوص

موسوم به «گتو». در سال ۱۹۴۰ «گتوی ورشو» که یهودیان

ورشو را به زور و در شرایطی ضد انسانی در آن اسکان داده بودند

(۲۸۰۰۰۰ یهودی) شکل گرفت. این محله، بعد از آن که یهودیان

در آن دست به یک خیزش بزرگ علیه جنایتکاران نازی زدند، در

سال ۱۹۴۴ منهدم شد.

۲ - در سال ۱۹۴۲ در جریان جنگ جهانی دوم، فرانسه به اشغال

آلمان در آمد؛ و مارشال پتن فرانسوی در رأس دولتی عملاً دست

نشانده ی آلمان قرار گرفت که مرکز آن در منطقه ی «ویشی»

فرانسه قرار داشت. در حکومت ویشی، جنایات بی شماری علیه یهودیان فرانسه انجام شد که معروف ترین آن تحویل دادن هزاران یهودی برای ارسال به اردوگاه های کار و مرگ در آلمان است. ملایان حاکم بر ایران، با تلاش پیوسته در جهت نفی ستم بی حد و حصری که به وسیله ی نازی ها بر یهودیان اروپا رفت، علاوه بر نمایش ماهیت ضد انسانی خود، بهترین کمک تبلیغاتی را به رژیم نژادپرست اسرائیل می کنند که انتقام ستم هیتلر را که نه عرب بود و نه مسلمان و نه فلسطینی، از مردم بی پناه و بی گناه فلسطین که کوچکترین دخالتی در ماجرا نداشتند می گیرد... جان پیلجر گویا در اینجا به طنز اشاره یی دارد به حکومت محمود عباس در نوار غزه. برای آگاهی از آنچه در واقع امر، در فلسطین اتفاق افتاده است و دلایل اقدام به «ضد کودتا» توسط حماس، می توانید به مقاله ی نویسنده ی صلح طلب سرشناس اسرائیل، میشل وارشاوسکی، که با عنوان «در فلسطین، چه کسی علیه چه کسی کودتا کرد؟» قبلاً به فارسی درآورده ام مراجعه کنید:

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar03/warschawski-1.html>

همچنین برای شناخت بیشتر از حماس، که طبعاً جریانی بنیادگراست اما نه از نوع کسانی که مسأله شان «جنگ کفر و دین» و فتح جهان است، از جمله می توانید گفتگوی محمود درویش با لوموند را بخوانید؛ و این که: «... اعراب و مسلمانان احساس می کنند که به بیرون تاریخ، پرتاب شده اند... جهان عربی - اسلامی، عمیقاً احساس بی عدالتی می کند؛ و غرب را مسئول این بی عدالتی می داند. همان غرب که با یک نوع "انتگرسیم" امپریالیستی، به این احساس جهان عربی - اسلامی پاسخ می دهد؛ و این احساس

را تقویت می کند. در چنین فضایی، ما با یک هویت زخمخورده، سر و کار داریم... سلفی ها و حماس، بسیار با هم تفاوت دارند. حماس، در درجه ی اول، یک حرکت ناسیونالیستی است. یک حرکت ناسیونالیستی با یک نگاه مذهبی. اما غرب، به اسلامیسیم، به عنوان یک مجموعه ی همگون، به عنوان یک "بلوک"، نگاه می کند...»

http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar15/darwishlemo_nde.html

۲ - عملیات «باران های تابستانی» را اسرائیل از ۲۸ ژوئن سال ۲۰۰۶ با ورود به غزه آغاز کرد. در این عملیات، چند هزار دسته ی نظامی اسرائیلی شرکت داشتند؛ و طی آن اسرائیل:

- * صد ها نفر از مردم عادی غزه از جمله - دستکم - در حدود ۵۰ کودک را کشت.
- * صد ها تن دیگر از آنان را، از جمله - دستکم - در حدود ۲۳۰ کودک را که نتوانسته بود بکشد، لت و پار کرد.
- * صد ها فلسطینی، از جمله چند وزیر و چند نماینده ی منتخب مجلس را ربود و به اسارت به زندان های اسرائیل برد.
- * مرکز اصلی برق، پل ها ی متعدد، خانه های بی شمار، مراکز مختلف مدنی و صنعتی و عام المنفعه را با خاک یکسان کرد. و... ماجرا همچنان ادامه دارد.

۴ - موشک های قسام، موشک های بسیار ساده ی هستند که حماس در پاسخ به بمباران های پیاپی و قتل عام ها و ویرانسازی ها ی مستمر فلسطین با پیشرفته ترین سلاح ها توسط اسرائیل، از آن ها استفاده می کند.

۵ - «سدروت» یک شهرک فلسطینی در منطقه ی نجد بود. در سال ۱۹۴۸ پس از نخستین تجاوز های اسراییل به سرزمین های فلسطینی و اشغال آن ها، مردمان این شهرک به ناچار به نوار غزه پناه بردند. چند سال بعد از آن، در ۱۹۵۱ کم کم مهاجران یهودی از نقاط دیگر جهان، به آن منطقه ی به اجبار ترک شده توسط صاحبان فلسطینیش، مهاجرت کردند. فقط دوازده سال پیش یعنی در سال ۱۹۹۶ بود که اسراییل پذیرفت که آن را به عنوان شهر به رسمیت بشناسد.

این شهر کوچک درست در جوار نوار غزه قرار دارد. در پی آن که اسراییل پیشنهاد های مکرر آتش بس از طرف حماس را رد کرد، و در پی حملات مستمر اسراییل به غزه و کشتار و تخریب و آدمربایی در آن، و در پی انحصار این باریکه ی کوچک - با یک و نیم میلیون ساکن - و در پی محروم کردن کودک و جوان و پیر و خرد و کلان و زن و مرد آن از الزامات اولیه ی زندگی همچون تغذیه و بهداشت، حماس، ضمن درخواست تخلیه ی این شهر - که اسراییل از آن به عنوان یکی از نقاط نظامی برای تجاوز به غزه استفاده می کند - از مردم عادی، موشک هایی به سمت آن پرتاب کرد

۶ - نامی است که به یک ترکیب شیمیایی خطرناک و سرطانزای ضد گیاهی داده شده است که آمریکا در سال های جنگ ویتنام از آن علیه مردم ویتنام استفاده کرد؛ و تا هم اکنون، آثار آن و بازمانده های آن در جان نسل های پیاپی ویتنامی، به طور مستمر، از ویتنامیان، قربانی می گیرد.

۷ - نام عملیات سری سی آی ای در افغانستان در فاصله ی بین سال های ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۸ است که طی آن آمریکا «مجاهدین

افغان» را که در جنگ با نیرو های شوروی بودند مسلح کرد. دفاع از بنیاد گرایی البته که امری است پسندیده به شرطی که بنیادگرا متحد آمریکا باشد... مثل همین الآن در منطقه ی خاورمیانه ی خودمان. در این زمینه ی اخیر دو مقاله در «روشنگری» یکی از گاردین با عنوان «با ابوعابد، متحد جدید آمریکا در عراق علیه القاعده، آشنا شوید» و دیگری از سیمور هرش با عنوان «تعبیر مسیر از جنگ با تروریسم، به جنگ با ایران در ائتلاف با تروریسم» :

<http://www.roshangari.net/as/ds.cgi?art=20071115010043.html>

<http://www.roshangari.net/as/ds.cgi?art=20070302153847.html>

۸ - در باره ی متن این سند مهم، نگاهی به گزارش گاردین را که با عنوان «مانیفست حمله اتمی پیشگیرانه برای یک ناتو جدید» در همان زمان به ترجمه ی همین قلم تهیه شده است می توانید در چند سایت، از جمله خود سایت ققنوس بخوانید. با لینک زیر:

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar06/nato-manif.html>

۹ - در پی انتشار گزارش «ان آی ئی»، که جمعی از ناظران، انتشار آن را از سوی مخالفان بوش (طبعاً نه با ماهیت مثلاً ضد جنگ و صلح طلبانه) به خاطر خطر آنی و فوری پی می دانند که آنان از ناحیه ی بوش و چینی در مورد حمله به ایران حس می کردند، در هفته های نخست، «ضد حمله» هایی توسط پنتاگون و موساد و به خدمت گرفته شدگان ایرانیان، در برابر این گزارش

انجام گرفت. از قبیل این ادعا که با وجود آن که این گزارش، تا موقع انتشار، یعنی تا همین چند ماه پیش، مرتباً به روز می شد، از چند سال پیش دوباره برنامه ی ساخت بمب اتمی در ایران به راه افتاده است! باز در چند روز اخیر، بعد از یک توقف اجباری و موقت - شاید به عنوان واپسین تقللاً ها - این «ضد حمله» ها با به کارگیری کارگزاران ایرانی، به منظور آماده سازی زمینه ی بمباران کشور ما و «آزادسازی» مردم آن، دوباره از سرگرفته شده است...

۱۰ - نام اصلی کتاب آلدوس هاکسلی Brave New World است که خود بر گرفته از نمایشنامه یی است از شکسپیر؛ و به کار بردن نام «دنیای قشنگ نو» در اینجا به خاطر ترجمه ی این کتاب با این نام به زبان فارسی است. این کتاب را در ایران «دنیای عجیب نو» نیز نامیده اند. و به نظر می رسد که هیچکدام از این دو نام، نتواند معنای واقعی مورد نظر نویسنده را برساند. فرانسوی ها کار خودشان را راحت کرده اند و با استفاده از آنچه آلدوس هاکسلی با وامی از ولتر، به زبان فرانسه در آغاز کتاب خود آورده است، در ترجمه، نام کتاب را Le Meilleur des mondes گذاشته اند.

کتابی است تخیلی و بسیار معروف، که هاکسلی در سال ۱۹۳۳ منتشر کرده است. در باره ی جهانی فرضی در آینده، که در آن، تولید انسان، در لابراتوار ها و کارخانه های مخصوص، و به صورتی انبوه و کالایی انجام می پذیرد؛ تمام جهان، یک حکومت واحد طبقاتی دارد که در آن انسان ها به انواع آلفا و بتا و گاما و اپسیلون تقسیم می شوند... و الی آخر!